



دیپلماسی عمومی؛ حلقه مفقوده سیاست خارجه جمهوری اسلامی ایران

در واقع با پیروزی انقلاب اسلامی، ایرانی که زمانی، استراتژیک ترین متحد آمریکا در منطقه غرب آسیا بود به عنوان اصلی ترین چالش این کشور در این منطقه تبدیل شد و رفته رفته جبهه بندی های جدیدی در این منطقه راهبردی آغاز شد. از یک سو؛ شاهد شکل گیری جبهه ای تحت عنوان "محور مقاومت اسلامی" به رهبری جمهوری اسلامی ایران به همراه ترکیبی از کشورها، جنبش ها و گروه های مختلف مقاومت اسلامی هستیم و از سوی دیگر جبهه ای غربی، عبری-عربی در مقابل آن قرار گرفته است که از آمریکا و کشورهای غربی تا رژیم صهیونیستی و برخی حکام کشورهای مرتجع عربی همچون عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین و... را شامل می شود. با توجه به نقش محوری ج.ا.ایران در این جبهه، طی دهه های اخیر توفیقات مهمی بالخصوص در حوزه های سیاسی، نظامی و امنیتی نصیب این محور و در راس آن ج.ا.ایران شده است اما علی رغم این موفقیت ها، باید اذعان نمود که ج.ا.ایران در برخی حوزه ها

پیروزی انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۹) را می توان سرآغاز تحولات مهمی در عرصه بین الملل دانست. این انقلاب، به عنوان حرکتی فراملی با داشتن مبانی، اهداف و آرمان های جهانی، گستره خود را فراتر از مرزهای سرزمینی ایران تعریف نموده و مدعی ایجاد نظم نوین در عرصه تعاملات بین المللی است. از پیامدهای مهم انقلاب اسلامی می توان به افزایش روحیه خودباوری و آزادی خواهی ملل مختلف بالخصوص مسلمانان جهان اسلام و منطقه غرب آسیا اشاره نمود که منجر به ایجاد موج جدیدی از بیداری اسلامی در این مناطق شده است. در واقع، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، روند ایجاد جنبش های نوین اسلامی و شکل گیری گروه های مختلف مقاومت که الهام گرفته از این حرکت عظیم الهی-مردمی بوده به لحاظ کمی و کیفی رشد قابل توجهی داشته است، به گونه ای که در حال حاضر می توان از آن به عنوان یک محور و جبهه مهم در عرصه منطقه ای و بین المللی یاد کرد.

لذا با توجه به نقش مهم و غیرقابل انکار دیپلماسی عمومی در پیشبرد اهداف و سیاست های کشور در عرصه بین المللی و لزوم اقناع و همراه سازی واقعی ملت های مختلف بالاخص مسلمان با این سیاست های برآمده از اهداف و آرمان های انقلاب اسلامی، ضروری است مدل مطلوبی در خصوص دیپلماسی عمومی ج.ا.ایران در قبال کشورهای اسلامی و در وهله نخست کشورهای عضو محور مقاومت طراحی گردد، تا با اصلاح رویه گذشته، شاهد اتفاقات بهتری در این خصوص باشیم. البته نباید این نکته را نیز فراموش کرد که الگوی مقاومت معرفی شده از سوی ج.ا.ایران و در رأس آن شهید سلیمانی (بالاخص بعد از موج بیداری اسلامی سال ۲۰۱۰ و تحولات پس از آن) یک الگوی مقاومت مردم پایه بوده است و همین مسئله نیز اهمیت توجه به دیپلماسی عمومی و تحت تأثیر دادن افکار عمومی کشورهای هدف بالاخص در جبهه مقاومت اسلامی را بیش از پیش نمایان می سازد.

موفقیت شایسته و متناسب با ماهیت و اهداف انقلاب اسلامی کسب نموده است که یکی از این موارد حوزه "دیپلماسی عمومی" است. هدف اصلی دیپلماسی عمومی تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی سایر کشورها می-باشد و با توجه به نقش و جایگاه محوری مردم در انقلاب اسلامی و مورد مخاطب قرار گرفتن آرمان های این انقلاب توسط ملیت های مختلف، این توقع وجود داشت که ج.ا.ایران که برآمده از یک انقلاب فرهنگی و مردم محور است تلاش بیشتری در جهت اقناع و انتقال اصول و آرمان های خود به افکار عمومی جوامع دیگر بالاخص جوامع اسلامی نماید، اما در حال حاضر و حتی در خلال اتفاقات جنگ اخیر غزه شاهد این واقعیت هستیم که بخش دیپلماسی عمومی کشورمان دارای قوام و اثرگذاری لازم نبوده و حتی به نظری رسد از الگو و مدل خاصی نیز برخوردار نمی باشد که نتیجه این مسئله، در جایگاه نه چندان مطلوب ج.ا.ایران و سیاست های آن در میان افکار عمومی کشورهای مختلف بالاخص کشورهای اسلامی و منطقه به وضوح مشخص است.

در واقع ج.ا.ایران با وجود بهره مندی از یک ایدئولوژی مستحکم و در عین حال پویا، و همچنین نقش آفرینی محوری در حوادث منطقه ای که یاری گزینت ها و دولت های مختلف در مقابل سیاست های استکباری و استعماری دولت های بزرگ فرمانطقه ای و همپیمانان منطقه ای آنان بوده است ولی با این حال، جایگاه شایسته ای در میان افکار عمومی این ملت ها ندارد که افکارسنجی ها و نظرسنجی های مختلف نمایانگر این مسئله می باشد.